



اگر از منظر مطالعه تطبیقی به پوستر در ایران نگاه کنیم، حد فاصل سال‌های کودتای مرداد ۳۲ تا انقلاب بهمن ۵۷ سال‌های درخشش و اوج هنر در ایران است، چراکه بستر و خیزش اجتماعی فراهم شده که در آن جلال آل‌احمد، رضا برهانی و سیمین دانشور در آثار خود کنایه‌هایی در انتقاد به وضع کشور دارند. شاعرانی چون شاملو، کسرابی، گل‌سرخ و اخوان ثالث نیز هر یک به زبانی فریاد اعتراضی نسلی هستند. موج نوی سینمای ایران نیز فیلم‌هایی چون «شب قوزی»، «خشت و آینه»، «قیصر»، «گاو»، «تنگسیر»، «آرامش در حضور دیگران»، «طبیعت بیجان»، «گوزن‌ها»، ... را عرضه می‌کند. در تئاتر،

نمایش‌نامه‌نویسانی چون ساعدی، یلفانی، و حکیم‌رابط حرف‌های تازه‌ای می‌زنند و در موسیقی نیز خوانندگانی چون فریدون فروغی، فرهاد مهاد، و مازیار؛ و ترانه‌سرایانی چون ایرج جنتی عطایی، اردلان سرفراز و شهیار قنبری، هر یک به نوعی صدای اعتراض مردمشان هستند. در چنین بزنگاهی بدیهی است فیلم‌های اجتماعی و سیاسی ساخته شود و در نتیجه پوسترهای این فیلم‌ها رنگ‌بوی دیگری داشته باشد.

پوسترهای فیلم در ایران تاریخ طویل و درازی دارند؛ از «دختر لر» تا به امروز راه پرپیچ‌وخمی را پیموده‌اند، در آغاز چاندرا واکر برای فیلم‌های فارسی در هند پوستر می‌سازد، پس از آن طراحان ارمنی هستند که از دانش نقاشی و گرافیکی که در روسیه آموخته‌اند، در پوسترهای ایران استفاده می‌کنند. طراحانی چون موشخ و ناپلون سروری، میشا گبرگوسیان، هایک آجاقیان نسلی از پوسترهای فیلم در ایران را طراحی می‌کنند؛ پوستر فیلم‌هایی چون «توفان زندگی»، «مادر»، «بازگشت مشهدی عباد»، «آخرین شب»، «شب‌نشینی در جهنم»، «چشمه آب حیات»، «مردها و جاده‌ها»، «شیرمرد». ویژگی این پوسترها همان نگاه عامه‌پسند و روایت‌گر فیلم‌های فارسی است، از کوزه همان می‌تراود که در اوست.

با آغاز دهه ۴۰ خورشیدی جنبشی در سینمای ایران به وجود می‌آید، که پوسترهایی فراخور خود را طلب می‌کنند، پوستر فیلم‌هایی چون: «گاو»، «پستچی»، «قیصر»، «مغول‌ها» و... این‌بار توسط طراحانی که در دانشکده هنرهای زیبا تحصیل کرده‌اند، ساخته می‌شود. فرشید مثقالی، مرتضی ممیز، عباس کیارستمی از طراحان شاخص پوستر در آن سال‌ها به شمار می‌روند. اما بیشترین تأثیر را بر پوسترها و پلاکارت‌های سینمایی این نسل مرتضی ممیز می‌گذارد. او که در آثارش بیانی قاطع و صریح و مردانه دارد، گزینه مناسبی برای پوسترهایی است که چنین خصوصیتی دارند. از این‌رو او برای فیلم‌های کارگردان‌هایی چون: سهراب شهید ثالث، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، پرویز کیمیای، علی حاتمی و... پوستر می‌سازد. شاید خود او در زمان ساخت این پوسترها به اهمیت کار خود آگاه نیست. پوسترهای سیاسی و اجتماعی‌اش بر لبه تیز تیغ سانسور حرکت می‌کند، اما بی‌شک پوسترهای او برای فیلم‌هایی چون «خاک»، «مغول‌ها» و از همه مهم‌تر «گوزن‌ها» به آیگون‌هایی ماندگار از پوستر فیلم‌های اعتراضی در چند نسل بدل می‌شود. او استفاده از نقاشی‌های رئالیستی از ستاره فیلم را که در پوسترهای فیلم‌فارسی‌ها رایج بود، کنار می‌گذارد و به استفاده از عکس‌هایی با کنتراست بالا و گرافیکی روی می‌آورد و هیجان و تکنیک تازه‌ای را به پوسترهای فیلم تزریق می‌کند. طراح مهم دیگر فرشید مثقالی است، گرچه عمده شهرتش را از تصویرسازی کتاب «ماهی سیاه کوچولو» و کسب جایزه بولونیا بابت آن کتاب کسب می‌کند، اما پوسترساز توانایی است که طراحی فیلم‌های «پستچی»، «گاو» و «شازده احتجاب» را در کارنامه خود دارد. اما تأثیر مهمش پوسترهایی است که برای فیلم‌ها و رویدادهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌سازد. پوستر فیلم «دار»، رضا علامه‌زاده از پوسترهای مهم فیلم‌های توقیفی قبل از انقلاب به شمار می‌رود.

پس از انقلاب شرایط عوض شده و پوسترهای سیاسی و اجتماعی رنگ عوض می‌کنند. در سال‌های نخست انقلاب تولید و ساخت فیلم کم می‌شود، پس از آن هم که تولید فیلم بیشتر می‌شود، پوسترها همان پوسترهای فیلم‌های فارسی هستند با همان تکنیک که رنگ‌وروی شرایط روز را به خود گرفته‌اند. به جز برخی پوسترهای فیلم‌های تحت حمایت و سفارش بنیاد سینمایی فارابی و چند مورد استثنا پوسترهایی که طراحی شاخص و منحصر به فردی داشته باشند، بسیار انگشت‌شمارند. در جرگه فیلم‌های سیاسی مجید اخوان پوستر فیلم «عروسی خوبان» را می‌سازد و علی وزیریان «آژانس شیشه‌ای» را. اما پوسترهای دیگر جسارت و قدرت و نوآوری پوسترهای ممیز و مثقالی را ندارند. امروز هم که دیگر پوسترهای فیلم در کلیشه‌های گیشه غوطه‌ور شده‌اند و باید برای آن‌ها فاتحه‌ای خواند و طلب مغفرت کرد؛ تا شاید روزی رستاخیز دیگری در پوستر فیلم ایران به پا شود.